



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 3, Issue 1, 2023

Iran's Criminal Policy Regarding Drug Crimes in the Addendum of Article 45 with a View to the 1988 Convention

Mona Hossein Pouri¹, Yazdan Nosrati^{2*}, Sasan Rezaei Fard³

1. Ph.D Student, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 125-137

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-5887-2878

TELL: +988337243181

Email: nosratiyazdan@ut.ac.ir

Article history:

Received: 10 Dec 2022

Revised: 06 Jan 2023

Accepted: 21 Jan 2023

Published online: 21 Mar 2023

Keywords:

Execution, 1988 Convention, Criminal Policy, Narcotic Drugs, Psychoactive Substances.

ABSTRACT

The purpose of this research is the comparative study of Iran's criminal policy regarding drug crimes in the addendum of Article 45 with Convention of 1988, which is carried out by a descriptive-analytical and library-documentary method. The research results show that the legislator's excessive recourse to severe punishments, including long-term imprisonment and execution, is clearly seen in the law and always included in the anti-narcotics programs in the criminal policies of the post-revolution era. Despite joining the 1988 Vienna Convention and international opposition to heavy punishments, including execution, this procedure still remains in force. The elements related to drugs in Article 45 are around the reduction of punishment about drug crimes, including the use of weapons, having a leadership role, having a record of definite conviction, the possession of a certain weight of the substances that are the subject of the crime, and the use of children and insane persons.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Hossein Pouri, M; Nosrati, Y & Rezaei Frad, S (2023). "Iran's Criminal Policy Regarding Drug Crimes in the Addendum of Article 45 with a View to the 1988 Convention" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(1): 125-137.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

سیاست کیفری ایران در باب جرایم مواد مخدر در الحاقیه ماده ۴۵ بانظرداشت کنوانسیون ۱۹۸۸

منا حسین پوری^۱، یزدان نصرتی^{۲*}، ساسان رضایی فرد^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران در باب جرایم مواد مخدر در الحاقیه ماده ۴۵ با کنوانسیون ۱۹۸۸ می‌باشد که به روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای - اسنادی انجام می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توسل بیش از حد مقنن به مجازات‌های شدید، از جمله حبس‌های طولانی مدت و اعدام، به وضوح در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به چشم می‌خورد که در سیاست‌های جنایی دوره بعد از انقلاب، همواره جزو برنامه‌های مبارزه با مواد مخدر بوده است و علی‌رغم پیوستن به کنوانسیون ۱۹۸۸ وین و مخالفت‌های بین‌المللی با مجازات‌های سنگین از جمله اعدام، باز هم این رویه به قوت خود باقی مانده است. عناصر مرتبط با مواد مخدر در ماده ۴۵ حول کاهش مجازات، با در نظر گرفتن اقدام‌های مضاعف مجرمانه در همراهی با جرایم مواد مخدر از جمله استفاده از سلاح، داشتن نقش سرکردگی، داشتن سابقه محکومیت قطعی، وجود وزن خاصی از مواد موضوع جرم و استفاده از کودکان و مجانین اعمال خواهد شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۵-۱۳۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۸۷۸-۵۸۸۷-۰۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۸۳۳۷۲۳۳۱۸۱+

ایمیل: nosratiyazdan@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اعدام، کنوانسیون ۱۹۸۸، سیاست

کیفری، مواد مخدر، مواد روانگردان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

است. به نظر می‌رسد ایران از سال ۲۰۰۹ محل مهمی برای تولید مخفیانه متامفتامین شده باشد. بخشی از این تولید در داخل مصرف می‌شود، اما مقدار رو به افزایشی به مالزی، اندونزی و کشورهای دیگر آسیا قاچاق می‌گردد (Buxton, 2020: 14).

متأسفانه اغلب تصور عمومی بر این بوده است که با برخورد قضایی و انتظامی خشونت‌بار امکان ریشه‌کن کردن مواد مخدر وجود دارد، مانند آنچه در اول انقلاب در برخورد بامسأله اعتیاد انجام پذیرفت و با این تصور بود که قانون تشدید مجازات سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. در مقدمه قانون بحث ریشه‌کن کردن مواد مخدر مطرح شده است، ولی با کمال تأسف عملکرد چندین ساله اجرای قانون نشان می‌دهد که نه تنها این برخورد خشن تأثیری در کاهش عرضه مواد مخدر نداشته، بلکه با افزایش تولید، عرضه نیز افزایش یافته و هرچه نیروهای دولتی برای مقابله با قاچاقچیان تجهیز شده‌اند، آن‌ها مجهزتر به مقابله پرداخته‌اند به نحوی که بالگرد نیروهای دولتی در کویر مرکزی در ارتفاعات نزدیک ۲۰ هزار پا مورد اصابت قرار گرفته و سفارت انگلیس رسماً از وجود موشک‌های استینگر که سلاحی استراتژیک است در دست قاچاقچیان اطلاع داده است (قربانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷).

در سیاست‌گذاری کیفری، آنچه بیش از هر چیز باید مدنظر مقنن باشد این است که مجازات‌های سنگینی همچون اعدام، علیه جرایمی به کار برده شود که از لحاظ شدت، مکافات‌ناپذیر به نظر می‌رسند و تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری شدید در مورد آنها به منظور پاسداری از نظم عمومی ضروری باشد. مجازات اعدام باید زمانی اعمال گردد که کوشش‌های انجام شده به منظور انطباق‌پذیر ساختن مجدد بزهکار با شکست روبرو شده باشد. در چنین موردی، رسالت فایده‌گرایی کیفر از طریق حذف و طرد مجرم به اجرا در می‌آید و چنین هدفی به وضوح با اجرای مجازات مرگ حاصل می‌شود. لذا چنانچه مقنن کیفری در سیاست‌گذاری کیفری این مهم را مدنظر قرار ندهد و مبادرت به پیش‌بینی مجازات اعدام برای رفتاری کند، در عمل شاهد آن هستیم که این مجازات در عمل مورد استفاده قضات قرار نگرفته و قضات با واقع‌بینی سعی در

علی‌رغم وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی، تلاش‌های جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی، قاچاق بین‌المللی موادمخدر گسترش روزافزون یافته و اقدامات ملی کشورها در مقابله با این پدیده و مبارزه با ترانزیت آن نتیجه‌بخش نبوده است. لذا در فرآیند اقتصاد جهانی، جایگاه قاچاق موادمخدر را نمی‌توان نادیده گرفت و تداوم این تجارت به تقاضای مصرف آن بستگی دارد. هرچه تقاضای سوء مصرف موادمخدر افزایش یابد، بازار سیاه این تجارت مرگبار نیز رونق خواهد یافت (رحیمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵).

بنا به گزارش دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، بر اساس آمارهای سازمان ملل ۷۵ درصد کشفیات تریاک جهان، ۶۱ درصد مرفین و ۱۷ درصد هروئین در جهان در ایران است. همچنین در سال ۲۰۱۷ در ایران حدود ۲۱ تن هروئین کشف شده، اما در کل اروپا چهار تن کشف شده است. همچنین بر اساس آمار سازمان ملل میزان کشفیات در کشور مبدأ کمتر از ۳۰۰ تن است و این در حالی است که ایران سالانه بیش از ۸۰۰ تن کشفیات انواع مواد مخدر دارد. در ۳۰ سال گذشته، ۴۱ هزار عملیات در حوزه مقابله با مواد مخدر انجام شده و ۱۲ هزار تن انواع مواد مخدر کشف و ضبط شده است. همچنین بیش از دو هزار کیلومتر از مرزها مسدود شده که همین امر هزینه بسیاری برای جمهوری اسلامی ایران داشته است و بر اساس برآوردها و پیمایش‌هایی که صورت گرفته است بیش از ۱۱ درصد از تولید ناخالص ملی به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای مقابله و برخورد با مواد مخدر هزینه شده است. ایران، علاوه بر این که از لحاظ مقدار مصرف مواد مخدر غیرقانونی، که دو درصد جمعیت بزرگسال را در بر می‌گیرد، در بالاترین رتبه‌های جهانی قرار دارد، به علت مرزهای طولانی خود با افغانستان و پاکستان، کشور مسیر گذر مهمی برای قاچاق به نقاط دیگر به شمار می‌رود. در سال ۲۰۰۹ در حدود ۱۴۵ تن متریک هروئین از این دو کشور به ایران قاچاق شده که بیشتر آن سپس به جاهای دیگر، به ویژه به اروپا، قاچاق شده است. برآورد قاچاق تریاک به ایران در سال ۲۰۰۸ بیش از ۱۰۰۰ تن متریک تریاک است که در حدود ۴۵۰ تن متریک آن در داخل مصرف شده

مواد مخدر، دگرگونی مهمی در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر ایجاد گردید. این تغییر که به قصد حذف و کاهش اعدام انجام شد نوعی مصلحت‌گرایی در پذیرش تأسیس مشکوک فقهی افسادفی‌الارض بوده که ضمن تغییر گستره سیاست کیفری سخت‌گیرانه، ابهامات و چالش‌هایی را به دنبال داشته است؛ سؤال اصلی این تحقیق این است که سیاست کیفری حاکم بر مواد مخدر در الحاقیه ماده ۴۵ مواد مخدر سال ۱۳۹۶ در مقایسه با اصول کنوانسیون ۱۹۸۸ که ایران به آن پیوسته است، دارای چه وجه تشابه و تفاوتی است؟

۱- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان ۱۹۸۸

در سال ۱۹۸۱، برنامه بین‌المللی بر علیه دادوستد غیر قانونی مواد مخدر، به درخواست بولیوی در دستور کار سی‌وششمین اجلاس مجمع عمومی به ثبت رسید. در این اجلاس، مجمع عمومی از دبیرکل تقاضا نمود که متن قطعنامه تصویب شده مجمع را برای کشورهای عضو و نهادهای ذی‌صلاح سازمان ملل متحد و سایر نهادهای غیر دولتی مخابره نماید تا آنها پیشنهادات و ملاحظات مرتبط با یک مبارزه بین‌المللی مؤثر بر علیه دادوستد غیرقانونی مواد مخدر را ارائه و تدوین کنند. همچنین، از دبیرکل خواسته شد تا گزارشی را در این زمینه به‌واسطه شورای اجتماعی و اقتصادی به اجلاس سی و هفتم مجمع ارائه نماید. از اجلاس سی‌وهفتم تا زمان تصویب، این موضوع تداوم پیدا کرد (International Narcotics Control Board, 2020: 3-4).

کنوانسیون سازمان ملل متحد به‌منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر و همچنین داروهای روان‌گردان در بیستم دسامبر سال ۱۹۸۸ در جلسه عمومی ملل متحد در شهر وین به تصویب رسیده است. این کنوانسیون در ۳۴ ماده و با دو جدول ضمیمه تنظیم شده است که متون فرانسه، اسپانیایی، روسی، چینی و عربی آن دارای اعتباری یکسان می‌باشند و کنوانسیون در تاریخ ۱۱ نوامبر سال ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد و مرجع امانتدار آن، دبیرکل ملل متحد است. در مقدمه کنوانسیون و پیش از شروع مواد مختلف آن، شرح مبسوطی از انگیزه‌هایی درج شده است که موجب گردیده تا کنوانسیون

جبران و تعدیل قواعد سختگیرانه این قانون و هم‌سویی با افکار عمومی دارند. این امر باعث خواهد شد بنابه دلایل عدیده، اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات‌ها که مهم‌ترین عامل بازدارندگی است، تا حد زیادی جایگاه خود را از دست بدهد.

کشورهای دنیا در مورد اعتیاد، رویکردی دوگانه (مبنی بر جواز یا ممنوعیت آن) اتخاذ کرده‌اند ولی در زمینه قاچاق غالب قانون‌گذاران ممنوعیت همراه با شدت عمل کیفری را برگزیده‌اند، اما نگاهی به سیر قانون‌گذاری در ایران، نشان‌دهنده اقدام سرکوبگر قانونگذار در هر دو زمینه اعتیاد و قاچاق می‌باشد. هرچند قانون‌گذار در زمینه اعتیاد به مسأله درمان هم نیم‌نگاهی داشته ولی با این وجود، سرکوب و شدت عمل را در رأس اقدامات خود قرار داده است. این مسأله در حوزه مقابله با عرضه مواد آشکارا دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که مقام‌های عدالت کیفری با تعیین کیفرهای شدید، به دنبال حذف عرضه‌کنندگان از بازارهای مواد مخدر و به تبع آن کاهش جرایم هستند. بررسی خاستگاه قانون مبارزه با مواد مخدر نشان‌دهنده وجود رویکردهای سخت‌گیرانه در تصویب قوانین کیفری در حوزه مواد مخدر است (لاکلا، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۳).

بنابراین هرچند مبارزه سرکوبگرانه با قاچاق قابل توجیه است ولی در زمینه اعتیاد مخصوصاً اکنون که الگوی مصرف نیز تغییر یافته و همچنین آمارهایی که حاکی از عدم حصول نتایج مثبت مجازات معتادین به چشم می‌خورد، قانون‌گذار در سال ۱۳۸۹ به اصلاح قانون ۱۳۷۶ پرداخته و در زمینه اعتیاد، سیاست جنایی را از شدت عمل و سرکوب به حمایت از افراد معتاد تغییر داده ولی در زمینه قاچاق همچنان به اقدامات تنبیهی و سرکوبگر خود ادامه می‌دهد. همچنین به دلیل تغییر الگوی مصرف و ضمناً عدم توجه کافی قوانین قبلی به مواد روان‌گردان، اصطلاح «روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی» در متن قانون جدید وارد شد و عملاً مبارزه با این مواد نیز وارد دستورالعمل مقامات اجرایی شد.

با تصویب ماده ۴۵ الحاقی قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶ و در حکم افسادفی‌الارض قرار دادن بعضی از جرایم

۱-۲- ماده ۴۵ الحاقی به قانون مبارزه با مواد مخدر

در صورتی یکی از شرایط ذیل احراز گردد، مرتکبان جرایمی که در این قانون باید به کیفر اعدام یا حبس ابد محکوم گردند، در حکم مفسد فی الارض قرار می‌گیرند و برای آنان مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روان‌گردان تعیین می‌گردد و در غیر اینصورت حسب مورد برای «مشمولین به اعدام» مجازات حبس درجه یک تا سی سال و برای «مشمولین به حبس ابد» کیفر حبس و جزای نقدی درجه دو و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان تعیین خواهد گردید.

۱- در صورتی که فردی که مباشرتاً مرتکب جرم گردیده است یا دست‌کم یکی از شریکان جرم، در زمان وقوع جرم، اقدام به کشیدن سلاح نموده باشد یا به‌منظور مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری حمل کند. مقصود قانون‌گذار از واژه سلاح در این قسمت، سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ است.

۲- اگر فردی که به موجب ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۰) سردهسته محسوب می‌شود یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانبین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.

۳- در صورتی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، در گذشته به صورت قطعی به اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال محکوم شده باشد.

۴- تمامی جرایمی که مشمول ماده (۴) این قانون هستند؛ مشروط بر اینکه بیش از پنجاه کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده (۸) این قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و درخصوص سایر جرایم موضوع ماده (۸) در صورتی که بیش از سه کیلوگرم باشد. اجرای این بند، مشروط به این امر است که مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم‌الاجراء شدن این ماده، واجد شرایط بندهای (الف)، (ب) یا (پ) هم باشند.

تصویب شود. ماده ۱ کنوانسیون، اصطلاحات ویژه به‌کار رفته در کنوانسیون را تعریف نموده است تا در متن، به توضیحات تکراری و اضافی نیازی نباشد.

یکی از اهداف کنوانسیون، بسط مشارکت در میان اعضای آن به‌گونه‌ای است که قادر باشند با اثر و کارایی بیشتری، ابعاد مختلف قاچاق داروهای روان‌گردان و مواد مخدر را که یک حوزه بین‌المللی دارند، مورد ارزیابی قرار دهند. اعضای کنوانسیون در مقام اجرای تعهدات خویش، تدابیر لازم از قبیل اقدامات اجرایی و قانونگذاری را در چارچوب مقررات اساسی سیستم‌های قانونگذاری داخلی خود مبذول خواهند داشت. اعضای کنوانسیون، تعهدات خود تحت عنوان کنوانسیون را به روش‌هایی هماهنگ با ملزومات تساوی حاکمیت و تمامی ارضی دول و مداخله نمودن در امور داخلی سایر دولت‌ها ایفا می‌کنند. هیچ کدام از اعضا به اجرای وظایف و اعمال صلاحیتی که به‌طور قانونی در حوزه اختیارات انحصاری سایر اعضای کنوانسیون قرار گرفته است، مبادرت نخواهند کرد (Taylor, 2012: 4-5).

شایان ذکر است که مطابق ماده ۲۵، قوانین و مقررات این کنوانسیون به‌هیچ‌عنوان تعهدات و حقوق اعضا که از کنوانسیون ۱۹۶۱، پروتکل اصلاحی ۱۹۷۲ آن و کنوانسیون سال ۱۹۷۱ حاصل شده است، خدشه‌ای وارد نخواهد کرد. مواد ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ اصولی برای الحاق دولت‌ها و نهادهای منطقه‌ای به کنوانسیون مقرر کرده است. هر کشوری قادر است در هر زمانی به کنوانسیون بپیوندد و کنوانسیون در روز نوزدهم بعد از توزیع سند، تصویب، تأیید، قبول و یا الحاق، لازم‌الاجرا می‌شود که این مسأله در یازدهم ماه نوامبر سال ۱۹۹۰ محقق شد. (Lines, 2017: 11-12)

۲- بررسی ماهوی ماده ۴۵

در این قسمت از مقاله ماده ۴۵ الحاقی، شرایط آن، اثر آن بر قانون مبارزه با مواد مخدر، نحوه اثرگذاری آن بر مجرمین در بازه زمانی پیش از تصویب قانون و پس از آن، احکام و قواعد آن و وجوه افتراق آن با سایر قوانین قبلی، به صورت مبسوط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

حبس و جزای نقدی درجه ۲ و به همراه آن در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر تعیین نموده است.

۲-۲- موارد انحصاری در حکم مفسد فی الارض بودن ماده ۴۵ الحاقی

پیش‌تر به شرح و بسط قسمت ابتدایی ماده پرداخته شد؛ در ادامه بندهای مقرر در ماده مورد بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲- کشیدن سلاح یا همراه داشتن آن

بند الف ماده ۴۵ الحاقی بیان می‌دارد: «...مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأموران، سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند...». مطابق این بند، تحقق شرط کشیدن یا همراه داشتن سلاح در ارتکاب جرایم مواد مخدر یکی از موارد مقرر در ماده ۴۵ است. مقصود مقنن در این قسمت مشخص نمودن شرایط قاچاق مسلحانه موضوع ماده ۱۱ ق.م.م.ا است؛ این بند موجب برطرف شدن چالش‌های موضوع قانون قاچاق گردیده است. به همین دلیل مقایسه ماده ۱۱ ق.م.م.ا با بند الف ماده ۴۵ مسأله‌ای مهم محسوب می‌شود (عباسی و محبوبی، ۱۳۹۹: ۱۳۹-۱۴۱).

ماده ۱۱ تنها به بیان این امر پرداخته است که مجازات قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر به طور مسلحانه اعدام می‌باشد. مجازات قاچاق مواد مخدر به طور مسلحانه یا غیر مسلحانه تا سال ۱۳۶۷ توفیری نداشت و صرفاً دست قاضی برای تعیین اشد مجازات در صورت وجود شرایطی مثل حمل سلاح باز بود؛ اما بعد از سال ۱۳۶۷، قانون‌گذار تغییراتی در این امر به وجود آورد و بین این دو قائل به تفکیک شد و برای قاچاقچی مسلح مجازات شدیدتری مقرر نمود. از حکم ماده ۱۱ چنین برداشت می‌شود که سایر عناوین مجرمانه در این قانون نیز مشمول عنوان قاچاق هستند؛ به این دلیل که در ماده مذکور، قانون‌گذار صرفاً برای حالت قاچاق مسلحانه اقدام به تعیین مجازات نموده است. این مسأله بیانگر این است که موارد دیگر در مورد قاچاق غیر مسلحانه هستند (متولی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۳۰-۱۳۱).

به همین دلیل می‌توان گفت با تغییری سازنده، مقنن پس از زمانی طولانی اقدام به رفع ابهام قانون در مورد مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر نموده است و اعدام در سایه در حکم مفسد فی الارض بودن را مشروع و قانونی دانسته است. تعمق در بنیان‌های فقهی جرم‌انگاری مواد مخدر، به وضوح بیانگر این امر است که تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است؛ بنابراین مقنن نمی‌تواند مجازات اعدام را برای این دسته جرایم، به دلیل قاعده‌التعزیر دون الحد تعیین نماید و صرفاً با وجود شرایط متعدد و در فرضی می‌تواند اقدام به مجازات اعدام نماید که تجارت مواد مخدر مشمول عنوان مجرمانه افساد فی الارض قرار باشد؛ البته تعیین مجازات برای آن نیز با اشکالاتی روبه‌رو می‌باشد. لکن با وجود نقدهای وارده بر این مسأله تغییرات قانونی را می‌توان سازنده و رو به جلو دانست زیرا مقنن موارد افساد فی الارض را در چند بند تعیین کرده است و مبنای تعیین و اجرای حکم اعدام، صرفاً مقدار مواد مکشوفه نیست (Ghiabi, 2019: 231-232).

مصادیق افساد فی الارض در ماده ۴۵ الحاقی منحصرأ شامل این موارد هستند: ۱- مباشر جرم یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا همراه داشته باشد. ۲- مرتکب نقش سردستگی داشته باشد. ۳- یا نقش پشتیبان مالی یا سرمایه‌گذار را داشته باشد. ۴- مرتکب از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد. ۵- کلیه جرایم ماده ۴ بیش از ۵۰ کیلوگرم و مواد مذکور در ماده ۵ بیش از ۲ یا ۳ کیلوگرم باشد.

به نظر می‌رسد ماده ۴۵ الحاقی، موجب تعیین قلمرو و موارد مشخص مصداق افساد فی الارض در جرایم مواد مخدر گردیده و شفافیت قانون در این امر را بیشتر نموده است. درخصوص مجازات جایگزین اعدام و حبس ابد، مقنن به افرادی که اقدام به ارتکاب جرایم مستوجب اعدام یا حبس ابد نموده‌اند، لکن دارای شرایط مقرر در ماده نیستند، به اقتضای امر نسبت به مشمولین به اعدام به حبس درجه یک تا سی سال و جزای نقدی یک تا دو برابر حداقل آن و مشمولین به حبس ابد به

شمرده می‌شود و برای وی مجازات اعدام و ضبط کلیه اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان تعیین خواهد گردید.

۲-۲-۲- داشتن نقش سرکردگی یا پشتیبانی مالی یا سرمایه گذار

به موجب قانون مبارزه با مواد مخدر، در تمامی جرایم موضوع این قانون، در صورتی که مجازات اعدام یا حبس ابد برای جرمی تعیین گردیده باشد، اگر مرتکب نقش سرکردگی یا پشتیبانی مالی یا سرمایه گذار را داشته باشد در حکم مفسد فی الارض است و کیفر اعدام و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر یا روان‌گردان برای مرتکب مقرر گردیده است (خداخواه، ۱۳۹۸: ۸۰-۸۱).

در قسمت اول بند ب ماده ۴۵ الحاقی قانون گذار بیان داشته است: «...در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون) مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰/۲/۱ یا پشتیبان مالی و یا سرمایه گذار را داشته...».

آنچه معیار تعیین مجازات اعدام در این بند است، نقش متهم در ارتکاب بزه تعیین می‌باشد. این مسأله از چند جهت قابل تأمل است. عموماً سردستگی با تشکیل یک دسته و عمل در راستای اهداف آن تحقق پیدا می‌کند. مقنن در ماده ۱۳۰ قانون مجازات به مفهوم سردستگی و مجازات آن پرداخته است؛ به همین دلیل برای تعیین قلمرو این جرم و موارد مشمول آن، می‌بایست این ماده را مورد بررسی قرار داد.

این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد، مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.»

تبصره ۱: گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.

با وجود مطالبی که بیان شد، می‌توان گفت هنوز هم قاچاق مواد مخدر در قوانین ایران دارای شفافیت نیست. برای مثال مشخص نیست همه اعمال مجرمانه در این قانون در زمره عنوان قاچاق هستند یا تنها وارد و صادر کردن مواد مخدر مشمول این عنوان می‌شود. علاوه بر این ماده تنها به ذکر قاچاق مسلحانه پرداخته است؛ اما ظاهراً مسلح بودن مرتکب و مسلحانه بودن قاچاق ر دو مفهوم متفاوت دانست. با در نظر گرفتن کیفر سختی که در قانون برای جرم قاچاق مسلحانه مواد مخدر مقرر گردیده است، ظاهراً شدت عملیات مرتکب مدنظر قانون گذار بوده است و مقصود، مجازات قاچاقچی حامل اسلحه نمی‌باشد؛ بلکه آنچه مدنظر است مجازات قاچاق با توسل به اسلحه می‌باشد. از نظر عرف زمانی می‌توانیم قاچاق را مسلحانه بدانیم که مرتکب اقدام به استفاده از اسلحه، رها کردن گلوله یا دست کم تظاهر به استفاده از آن در راستای ایجاد ترس در مأمورین نموده باشد. اگر مرتکب وارد فاز عملیات اجرایی نگردد، نمی‌توان جرم را در زمره موارد قاچاق مسلحانه دانست (Afkhami, 2019: 78-80).

با وجود این بند الف ماده ۴۵ الحاقی قاچاق مسلحانه و شرایط آن را بیان نموده است. ظاهراً حتی در صورتی که مرتکب از سلاح خود استفاده ننماید و تیراندازی نکند، کشیدن سلاح گرم یا سرد آشکار کردن یا تظاهر کردن به قصد استفاده از سلاح یا شروع به استفاده از آن که در مفهوم کشیدن سلاح قرار گیرد، دارای مجازات قاچاق مسلحانه است. در شرایط این قانون تفاوتی بین سلاح گرم و سرد وجود ندارد. علاوه بر آن، کشیدن سلاح باید مقارن با ارتکاب جرم باشد. در فرضی که مرتکب سلاح گرم را با هدف درگیری با مأموران نزد خود نگه دارد و در حالت آماده شلیک مخفی نماید، مشمول این بند است. در شرایط مقرر در این بند، میزان مواد در تعیین نوع و میزان مجازات تأثیری ندارد؛ میزان مواد مخدر مکشوفه به هر اندازه که باشد، اگر جرم ارتكابی ذیل یکی از عناوین مجرمانه ق.م.م.م قرار گیرد و آن جرم مجازات اعدام یا حبس ابد داشته باشد، در صورتی که مرتکب حین ارتکاب سلاح گرم یا سرد کشیده باشد و یا به قصد مقابله با مأموران سلاح گرم یا شکاری همراه داشته باشد، در حکم مفسد فی الارض

تبصره ۲: سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.»

قانون گذار در تبصره ۲ این ماده، به بیان مفهوم سردستگی پرداخته است. زمانی که گروهی که از سه نفر یا بیشتر از آن تشکیل شده است، جرم قاچاق مواد مخدر را انجام دهد، فردی به عنوان سرکرده مشمول این بند می‌باشد که گروه را تشکیل داده است یا تشکیل و فعالیت آن را طراحی کرده است یا فعالیت آنان را سازماندهی یا اداره و مدیریت کرده است.

بنابراین، برای این که فردی به عنوان سردسته گروه مجرمانه مورد شناسایی قرار گیرد، باید این موارد محقق شوند: وجود گروه مجرمانه؛ گروه متشکل از سه نفر یا بیشتر باشد؛ مرتکب گروه را تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره و مدیریت نموده باشد؛

قسمت نخست بند ب با ماده ۱۸ ق.م.م.شابهت دارد. مقنن در این قسمت بیان می‌دارد: «هرکس برای ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود». در این قسمت از قانون، مجازات اعدام در دو صورت ذکر شده است: نخست، فردی که اقدام به انجام افعال اجیر کردن یا به خدمت گماردن، ساماندهی و مدیریت فعالیت های مجرمانه و پشتیبانی مالی و سرمایه گذاری نماید و مجازات اعدام در قانون برای وی در نظر گرفته شده است. و حالت دیگر فردی به عنوان سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اقدام نموده است و بنابر ماده ۱۸ ق.م.م. کیفر اعدام برای وی مقرر گردیده است. ظاهراً اگر در جرایم مواد مخدر یک گروه اقدام به انجام عملیات نموده باشند، فارغ از این که چه میزان ماده مخدر کشف و ضبط می‌گردد، سرکرده گروه، به کیفر اعدام محکوم می‌گردد. قانون گذار ماده ۴۵ الحاقی، تغییراتی در خصوص کیفر سرکرده باند اعمال نموده است و به همین دلیل همچنان

کیفر سرکرده یا رئیس باند مجرمانه جرایم مواد مخدر اعدام می‌باشد. اما باید همچنان به قسمت نخست ماده ۴۵ توجه داشت. از این رو افرادی که مرتکب جرایم مستوجب اعدام یا حبس ابد می‌شوند اگر نقش سرکرده را ایفا نموده باشند، در حکم مفسد فی الارض شناخته خواهند شد و به مجازات ایشان اعدام و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان گردان است. در خصوص موارد مشمول بند ب این ماده نیز، بسان نص بند الف ماده مذکور، مقدار ماده مخدر کشف یا ضبط شده، موضوعیتی نداشته و مقدار آن هرچند اندک، می‌تواند موجبات محکومیت سرکرده یا رئیس باند را به مجازات اعدام فراهم آورد (پورباقرانی و مسائلی، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۵۲).

در بخش نخست ماده ۱۸، مقنن در بند ب، اقدام به اعمال تغییراتی نموده است و گستره ماده ۱۸ را محدود نموده است. با نظر به این تغییرات در ماده مذکور مجرم در چند صورت به مجازات اعدام محکوم خواهد شد: ۱- شخص یا اشخاصی را اجیر کرده و به خدمت گمارد. ۲- ساماندهی و مدیریت فعالیت های مجرمانه را بر عهده بگیرد. ۳- پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری جرایم مواد مخدر را بر عهده داشته باشد. این در حالی است که در بند ب، مقنن فقط پشتیبانی مالی یا سرمایه گذاری در جرایم مواد مخدر را از موارد افساد فی الارض و اعمال مجازات اعدام بر شمرده است. از این رو در صورتی که مجرم، فرد یا افرادی را به منظور انجام جرایم مواد مخدر اجیر کرده یا به خدمت گمارد و یا اینکه فعالیت های جرایم مواد مخدر را ساماندهی و مدیریت کرده باشد، برابر با قسمت نخست ماده ۴۵ کیفر به جای حبس ابد به حبس و جزای نقدی درجه ۲ و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر محکوم خواهد گردید. گرچه باید در نظر داشت تبدیل مجازات در حالتی ممکن است که وی به عنوان سردسته مورد شناسایی قرار نگیرد؛ در صورتی که او سردسته باشد، کیفر اعدام و ضبط اموال برای وی تعیین خواهد گردید. (کلانتری خلیلی آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۱-۱۳۲).

اما ظاهراً مقنن در ماده ۴۵ از لفظ وادار کردن استفاده نموده است که موارد کمتری را در بر می‌گیرد. در فرض وادار نمودن، طفل یا نوجوان مجبور و تهدید به انجام جرم

داشته باشد؛ لکن ماده ۳۵ علاوه بر اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی، افراد محجور عقلی را نیز مورد حکم قرار داده است. ذکر و توجه به چند نکته در این خصوص ضروری به نظر می‌رسد؛ بر خلاف ماده ۴۵، در بند ب معلوم نیست مقصود قانون‌گذار از ۱۸ سال به عنوان معیار سنی برای تشخیص طفل یا نوجوان، ۱۸ سال تمام شمسی است یا قمری؟ گرچه در ایران تقویم رسمی تقویم شمسی می‌باشد، لکن در قوانین هر زمان بحثی از سال شمسی یا قمری در میان بوده است، مقنن به صورت مشخص سال را تمام و کمال معین نموده است؛ برای مثال مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۲۱۰ قانون مجازات اسلامی. ظاهراً چون در ایران اصولاً تقویم شمسی معیار قرار می‌گیرد، همین تقویم مد نظر قانون‌گذار است. و مقنن مسامحتاً واژه شمسی را مورد تصریح قرار نداده است. علاوه بر این مقصود اصلی قانون‌گذار در این ماده تعدیل مجازات بود است؛ بنابراین محتمل است که مقنن با تمرکز بر ماهیت اصلی موضوع، موارد شکلی را کمتر مد نظر قرار داده باشد. علاوه بر آن به نظر می‌رسد عبارت تمام نیز به صورت سهوی ذکر نگردیده است.

۳-۲- استفاده از محجورین

آخرین قسمت بند ب ماده ۴۵ الحاقی بیان می‌دارد: «از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد». این بخش از بند ب، قسمتی از اعمال مجرمانه ماده ۳۵ ق.م.م.م را بیان می‌دارد. قانون‌گذار در ماده ۳۵ اینگونه مقرر می‌دارد: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرایم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود» (پوررضا و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۷-۸).

می‌گردد. برای مثال زمانی که با اصرار و اعمال فشار روانی یا حتی جسمانی طفل را مجبور به ارتکاب جرم نمایند. لکن در استفاده، طفل یا نوجوان تطمیع یا اغفال می‌گردد یا تشویق گشته و به خدمت گرفته می‌شود و به نوعی جلب به همکاری و مجاب می‌شود. پس استفاده هم تشویق و هم تهدید را در بر می‌گیرد. ظاهراً مقصود مقنن از واژه استفاده، هر شیوه و روشی است که ناظر بر آن می‌باشد؛ چه طفل و نوجوان را تشویق و ترغیب به ارتکاب جرم کنند و به این روش از او سوء استفاده نمایند و خواه او را مجبور و وادار به ارتکاب جرم کنند و برای ارتکاب جرم از وی استفاده کنند. بنابراین می‌توان این برداشت را داشت که طفل و نوجوانی که کتر از ۱۸ سال سن دارد، همچنین مجانین در جرایم مواد مخدر فقط وسیله‌ای برای مجرم هستند. این حالت در ماده ۱۲۸ ق.م.ا ذکر گردیده است. گرچه این ماده فقط نابالغ را مورد اشاره قرار داده است، لکن از ظاهر امر برمی‌آید که می‌توان این حکم را به همه افراد محجور عقلی تسری داد. ریاست قوه قضاییه به موجب بند ۶ بخشنامه ی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۶ در این خصوص اینگونه بیان نموده‌اند: «استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال یا مجانین برای ارتکاب جرم مذکور در بند (ب) ماده واحده شامل مواردی است که مرتکب جرایم مذکور از این اشخاص به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده کرده باشد، مشابه آنچه در ماده ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر شده است یا مواردی از قبیل اجیر کردن یا به خدمت گرفتن افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال.»

پس هر زمان که مجرم به هر صورتی طفل یا نوجوانی را برای انجام فعل مجرمانه مورد استفاده قرار دهد یا ایشان را وسیله انجام عمل مذکور نماید، مشمول بند ب ماده ۴۵ الحاقی می‌باشد؛ مانند سوءاستفاده از ایشان برای توزیع بیش از ۵ کیلوگرم تریاک یا مواد هم ردیف آن یا فروش بیش از ۳۰ گرم هروئین و مواد مشابه آن (-Robins, 2016: 47). در این صورت در حکم مفسد فی الارض و محسوب می‌شود و به اعدام و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر یا روان‌گردان محکوم خواهد گردید.

در بند ب فقط فرضی بررسی شده است که در آن طفل یا نوجوانی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، کمتر از ۱۸ سال سن

گسترده را از قانون فراهم می‌سازد و همین امر موجب تشدید نیز می‌گردد. در صورتی که مقنن در ماده ۳۵ ق.م.م.م عبارت وادار کردن را به کار برده است. مطابق آنچه پیش‌تر رفت، بدون شک، عبارت استفاده کردن دایره شمول موسع‌تری نسبت به وادار کردن دارد. بنا بر ماده ۳۵، در فرضی مرتکب محکوم به اعدام بود که حتماً با وادار کردن طفل یا نوجوانی اقدام به انجام عمل مجرمانه می‌نمود؛ لکن مطابق با ماده واحده الحاقی صرف استفاده از آنها موجب اعدام می‌باشد؛ این امر این علاوه بر این که مغایر با هدف قانونگذار الحاقی سازگار است، نسبت به ماده ۳۵ یادشده، شدیدتر نیز هست.

مسئله دیگر افزایش مجازات سرکرده و مرتکبین مشمول بند ب می‌باشد. مطابق با ماده ۱۸ ق.م.م.م سرکرده به مجازات اعدام محکوم می‌گردد. این در حالی است که بنا بر آنچه در بند ب مقرر گردیده است، سرکرده، مازاد بر کیفر اعدام به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر نیز محکوم می‌شود؛ علاوه بر آن، در صورت که از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال و مجانین استفاده شود، در صورتی که مرتکب جرایم مستوجب اعدام یا حبس ابد گردد، به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان محکوم می‌شود.

۴-۲- داشتن سابقه محکومیت قطعی

مقنن در بند پ ماده ۴۵ الحاقی بیان می‌کند: «مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون، سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد».

مطابق با آنچه از ظاهر ماده برمی‌آید، یکی از ضوابط تعیین مجازات اعدام سابقه کیفری مرتکب است. پیش از الحاق ماده، ۴۵ در جرایم مواد مخدر، سابقه ارتکاب بزه برای معین نمودن مجازات اعدام یا حبس ابد یک متغیر محسوب می‌شد و میزان اثر تکرار جرم، با ضابطه وزن مواد مخدر ارزیابی می‌گشت. بدین نحو که، در پرونده‌های موضوع ماده ۴ ق.م.م.م چنانچه فردی برای دومین بار مرتکب جرم موضوع بند ۴ ماده ۴ می‌گردید و جمع میزان مواد در همه جرایم به پنج کیلوگرم می‌رسید، وی به مجازات اعدام محکوم

بنا بر ماده ۴۵ در صورتی که اطفال یا نوجوانان و محجورین مورد استفاده قرار گیرند، این امر یکی از عوامل مشدده قانونی است. بند ب برای تعیین مجازات اعدام، استفاده از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال و مجانین یکی از شرایط محسوب می‌شود. در قیاس با ماده ۳۵ مشخص می‌شود دامنه ماده ۴۵ نسبت به بند ب از برخی جهات موسع‌تر و از بعضی جهات دیگر مضیق‌تر می‌باشد. برای مثال، در بند ب مقنن واژه استفاده کردن را ذکر نموده است. استفاده کردن می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد؛ برای مثال مرتکب ممکن است چند کیلو تریاک را در اختیار طفل یا نوجوانی قرار دهد تا آن را برای وی جابه‌جا کند، تحویل کسی دهد یا پنهان نماید. پس استفاده کردن محدوده موسع‌تری دارد و محدودیتی ندارد؛ کافی است در هر عملی که در ق.م.م.م مجازات مجازات اعدام و حبس برای آن تعیین گردیده است، اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال و مجانین به هر صورتی مورد استفاده قرار گیرند، که در این صورت در حکم مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان محکوم خواهند گردید (ساکو و کونانی، ۱۳۹۸: ۱۱۰-۱۱۲).

مسئله دیگری که باید بدان توجه داشت این است که مقنن در ماده ۳۵ محجور عقلی را ذکر نموده است که موارد بیشتری را نسبت به مجانین در بر می‌گیرد. بر اساس ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، اشخاص محجور صغار، اشخاص غیررشید و مجانین را شامل می‌شوند. همانطور که مشخص است، اشخاص غیررشید و سفیه در دایره شمول بند ب ماده ۴۵ قرار ندارند. آنچه باید معیار قرار گیرد نص قانون است؛ اگر شخصی از اشخاص سفیه و غیررشید را برای ارتکاب جرایم مواد مخدر مورد استفاده قرار دهد، مشمول بند ب ماده ۴۵ الحاقی نیست (برهانی و احمدزاده، ۱۳۹۷: ۲۱۲-۲۱۳). این قسمت از قانون نیز مخالف مقصود مقنن برای کاهش مجازات است و در واقع نوعی تشدید مجازات محسوب می‌گردد.

مقنن در بند ب ماده، از عبارت استفاده کردن را ذکر می‌نماید که محدوده عمل مجرمانه را بیشتر می‌کند و امکان تفسیر

اعمال تخفیف مجازات خودداری می‌نمود و اقدام به تعیین مجازات بیش از ۱۵ سال حبس را برای متهم می‌کرد، و فرد مجدداً مرتکب جرم مواد مخدر می‌شد، مشمول بند پ ماده ۴۵ الحاقی می‌گردید.

در بررسی اشد یا اخف بودن این بند ماده الحاقی می‌توان گفت که اولاً همانطوری که گفته شد ملاک مجازات اعدام در این بند سابقه محکومیت قطعی می‌باشد، اما در قانون مبارزه با مواد مخدر قبل از لازم‌الاجرا شدن ماده ۴۵، ملاک تکرار جرم میزان مواد بود. از این نظر نوعی تخفیف است. ثانیاً ملاک تشدید مجازات سابقه محکومیت قطعی است از این جهت خود نوعی تخفیف و تقلیل مجازات می‌باشد. اگر ملاک مجازات قانونی بود، موارد اعدام گسترش پیدا می‌کرد. چراکه دادگاه با لحاظ تمام شرایط مرتکب حکم صادر می‌نماید و از لحاظ اخلاقی منصفانه‌تر می‌باشد. ثالثاً افزایش به مجازات مصادره اموال ناشی از جرایم مواد مخدر تشدید مجازات می‌باشد.

البته در این بند هم ابهامی به این شرح وجود دارد که در لحاظ سابقه محکومیت کیفری، دادگاه باید چه تاریخی را به‌عنوان مبدأ قرار دهد؟ طبق ماده ۲۵ ق.م.ا دوره محکومیت مؤثر در قانون حسب مورد ۲ تا ۷ سال است. حال در بررسی سوابق مرتکب باید طبق ماده ۲۵ عمل کرد؟ ماده ۳۹ ق.م.م.ا اشعار می‌دارد: «در تشدید مجازات بر اثر تکرار جرم در کلیه موارد مصرح در این قانون، محکومیت‌ها یا سوابق بعد از اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۶۷ مناط اعتبار است».

نتیجه‌گیری

یکی از نکات مثبت اصلاح قانون، باز شدن بحث و مطرح شدن چالش‌های مبارزه با مواد مخدر و مجازات اعدام در سطح کشور بود؛ توجه به تأثیر سیاست‌های تنبیهی در سرنوشت خانواده‌ها و در نظر گرفتن تجربه موفق کشورهای که به پیشگیری و بازپروری یعنی پرداختن به علت اولویت داده‌اند، نه به معلول، النهایه یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه نمود. با این اصلاحیه که ماده ۴۵ را به قانون مبارزه با مواد مخدر اضافه می‌کند، مجازات اعدام برخی از محکومان

می‌گردید. همچنین در جرایم موضوع ماده ۸ چنانچه مجرم مرتکب جرم موضوع بند ۶ ماده ۸ را برای دومین بار می‌گردید، یا مجموع مواد مخدر موضوع جرم به ۳۰ گرم می‌رسید، باید کیفر اعدام را متحمل می‌شد. لکن به تدقیق در بند پ ماده ۴۵ می‌توان دریافت که مقنن اقدام به تغییر معیار تکرار جرم نموده است و اکنون وزن مواد را در تعیین مجازات اعدام تأثیرگذار نمی‌داند و تنها در صورتی که مجرم واجد سابقه محکومیت کیفری اعدام، حبس ابد یا حبس تعزیری بیش از ۱۵ سال به علت ارتکاب جرایم موضوع ق.م.م.ا باشد، به اعدام محکوم می‌گردد که می‌بایست در روند رسیدگی سوابق محکومیت کیفری مجرم مورد بررسی قرار گیرد و اقدامات و استعلامات لازم انجام داده شود (اکبری و صادقی، ۱۴۰۰: ۸-۹). در خصوص این بند، نکاتی که در ادامه می‌آید شایان ذکر است: ۱- فرد مرتکب جرایم مستوجب اعدام یا حبس ابد شده باشد، ۲- مجرم دارای سابقه باشد، ۳- محکومیت سابق مجرم می‌بایست قطعی شده باشد، ۴- سابقه محکومیت قطعی اعدام، حبس ابد یا حبس تعزیری بیش از ۱۵ سال باشد، ۵- محکومیت پیشین مجرم مرتکب می‌بایست در مورد جرم‌های مذکور در ق.م.م.ا باشد، ۶- معیار شدید نمودن کیفر به نسبت تکرار جرم، مقدار مجازات ذکر شده در دادنامه قبلی (مجازات قضایی - مجازات مورد حکم) می‌باشد و نه مقدار مجازات قانونی جرم و نه میزان مجازاتی که اجرا گشته است؛ در نتیجه در فرضی که مقداری که در حکم مجازات مقرر گردیده است، پس از اعمال تخفیف (اعمال مقررات ماده ۳۸ ق.م.م.ا)، به نوع و میزان کمتر مبدل گردد، باید همان مجازات مندرج در حکم معیار قرار گیرد. پس برای مثال چنانچه فردی جرم نگهداری ۳۰ گرم هروئین را انجام دهد و مرجع رسیدگی کننده با در نظر داشتن ماده ۳۸ ق.م.م.ا کیفر ۱۰ سال حبس را برای وی معین نموده باشد و این فرد مجدداً مرتکب جرم مواد مخدر شود، حکم وی مطابق با موارد مقرر در بند پ ماده ۴۵ الحاقی نیست و با استناد به این بند وی نباید به مجازات اعدام محکوم گردد؛ زیرا محکومیت پیشین مجرم، که در دادنامه ذکر گردیده است، تحمل ۱۰ سال حبس می‌باشد نه بیش از ۱۵ سال. مشخصاً در فرض مسأله‌ای که بیان گردید، در فرضی که مرجع صدور حکم از

- پوررضا، مهدی و اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۵). «بررسی مجازات‌های جایگزین کیفر اعدام در جرایم مواد مخدر». کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، ۳: ۱-۱۳.

- خداخواه، نسیم (۱۳۹۸). «بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر»، پژوهش و مطالعات اسلامی، ۶: ۷۳-۸۵.

- رحیمی‌پور، ایمان؛ حبیب زاده، محمد جعفر؛ محقق داماد، سیدمصطفی؛ فرجیها، محمد و امیدی، جلیل (۱۳۹۵). «سیاست کاهش آسیب در قبال مصرف مواد مخدر مطالعه تطبیقی در نظام عدالت کیفری ایران، پرتغال و کانادا». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۳: ۸۴-۱۱۰.

- ساکی، محمدرضا و کونانی، سلمان (۱۳۹۸). «بایدها و نبایدهای حذف مجازات اعدام از جرایم مواد مخدر». دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۸۷: ۱۰۳-۱۲۹.

- عباسی کلیمانی، عاطفه و محبوبی، ملیکا (۱۳۹۹). «بازخوانی مجازات جرایم مرتبط با مواد مخدر و داروهای روان‌گردان در نظام حقوقی ایران». پژوهش‌های حقوقی، ۴۴: ۱۳۳-۱۵۷.

- قربانی، ابراهیم؛ اکبری، کریم؛ محمدی، میر صادق و حسینی، بهرام (۱۳۹۵). «بررسی و مقایسه تطبیقی قانون مبارزه با مواد مخدر، پیش‌سازها و روان‌گردان‌ها در ج.ا. ایران با برخی کشورهای همسایه». فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ۲۶: ۹-۳۷.

- کلانتری خلیلی آباد، عباس؛ متولی زاده نائینی، نفیسه و گلستان‌رو، صدیقه (۱۳۹۷). «نقدی فقهی بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر»، فقه و اصول، ۱۱۴: ۱۲۷-۱۴۶.

- لاکلا، ارنستو (۱۳۹۷). *واسازی، عملگرایی، هژمونی*. تهران: فرهنگ گفتمان.

جرایم مرتبط با مواد مخدر حذف و حبس و جریمه نقدی جایگزین آن شد. لذا فقط افرادی که موضوع جرم آنان بیش از ۵۰ کیلوگرم مواد مخدر سنتی یا بیش از دو یا سه کیلوگرم هروئین باشد به اعدام محکوم خواهند شد و استفاده از سلاح به قصد مقابله با مأموران پلیس، داشتن نقش سردستگی، پشتیبانی مالی و سرمایه‌گذاری در گروه‌های مواد مخدر و استفاده از کودکان کمتر از ۱۸ سال و مجانین در ارتکاب جرایم مواد مخدر، همچنان مجازات اعدام در پی خواهند داشت. این ماده الحاقی محکومانی که قبل لازم‌الاجرا شدن این ماده محکوم شده‌اند را نیز شامل می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، معیارهای اخلاقی از جمله استناددهی دقیق و علمی مورد توجه بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده اول بوده و نظارت بر آن بر عهده نویسندگان دیگر است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اکبری، عباسعلی و صادقی، سالار (۱۴۰۰). «آسیب شناسی پیشگیری کیفری از جرایم مواد مخدر با تأکید بر مجازات اعدام». *کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی*، ۳: ۱-۴۱.

- برهانی، محسن و احمدزاده، رسول (۱۳۹۷). «معیارهای ناظر بر شناسایی مفسد فی الارض با تأکید بر جرایم مواد مخدر». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۸: ۲۰۹-۲۲۵.

- پوریافرانی، حسن و مسائلی، امین (۱۳۹۶). «تحلیل کیفرشناختی مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر». *مجلس و راهبرد*، ۹۱: ۱۴۱-۱۶۴.

-International Narcotics Control Board (2020). *Report of the International Narcotics Control Board for 2019*. New York: United Nations Press.

-Lines, R (2017). *Drug Control and Human Rights in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

-Taylor, D (2012). *International Drug Control: Consensus Fractured*. Cambridge: Cambridge University Press.

- متولی‌زاده نایینی، نفیسه (۱۳۹۹). «نقد مجازات اعدام در قوانین مواد مخدر بر اساس آموزه‌های قرآنی»، *قرآن، فقه و حقوق اسلامی*، ۱۳: ۱۲۷-۱۵۲.

ب. منابع انگلیسی

-Afkhami, A (2019). *A Modern Contagion: Imperialism and Public Health in Iran's Age of Cholera*. Washington: JHU Press.

-Buxton, J (2020). *Drug Policies and Development: Conflict and Coexistence*. London: Brill.

-Ghiabi, M (2019). *Drugs Politics: Managing Disorder in the Islamic Republic of Iran*. Cambridge: Cambridge University Press.